

نقش ها، وظایف و ویژگی های مدیر در آیین مدیریت قرآن با نگرشی بر جزء های ۷ تا ۹ قرآن کریم و تأسی از نهج البلاغه

تقی گرگانی*

چکیده: ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی، از بدیهیات بوده و هیچ نیازی به استدلال و برهان ندارد؛ زیرا زندگی اجتماعی هر چند در مجموعه ای بسیار اندک و کوچک، بدون داشتن مدیر و سازمان دهی خاص، سامان نیافته و به سرعت از هم پاشیده و متلاشی خواهد شد. در فرهنگ اصطلاحات، برای مدیریت تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی، مدیریت را هنر دانسته و گفته اند: «هنر مدیریت، هدایت، ایجاد هماهنگی و نظارت بر تعداد زیادی از افراد برای نیل به هدف و یا مقصودی معین است» (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۷۶۶). قرآن کریم، کتابی که از سوی خداوند متعال و خالق و پرورش دهنده تمام موجودات از جمله انسان، نازل گردیده، بیان کننده نیازهای زندگی بشری برای رشد و تعالی و تکامل است و مدیریت قرآنی عبارت است از هنر کشف استعدادها، تجهیز، تحریک، تنظیم و هدایت نیروها به سمت هدف های الهی (حیدری، فصلنامه مدیریت آموزشی: ۱۸). در این مقاله نگارنده از آیه ۸۳ سوره مائده تا آخر سوره مائده و تمام سوره مائده و انعام و سوره انفال تا آخر آیه ۴۰ را مورد بحث و تحلیل قرار داده و ویژگی ها، نقش ها و وظائف مدیران را به تصویر می کشد که از مهم ترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

*مدیران سازمان ها در ابلاغ دستورات می بایست از شیوه هایی استفاده کنند که همه افراد سازمان در جریان آن دستورات قرار گیرند.

* اطلاعات و دانش سازمانی باید رده بندی و طبقه بندی شود و مدیران نباید همه اطلاعات و دانسته های خود را در اختیار عموم کارکنان بگذارند، این امر ممکن است مشکلات و بحران هایی را برای سازمان ایجاد نماید.

* از وظائف دیگر حوزه مدیریت ایجاد فضای رقابت و انگیزش و تکریم ارباب رجوع است.

* داشتن هدف و برنامه، پاسخگویی، انتقاد پذیری، شایسته سالاری، توانمندی در ماموریت و رسالت. مدیران و ... از نکات مهم مدیریتی اشاره شده در این مقاله است که در علم مدیریت امروزی جزء اصول مهم مدیریتی به شمار می روند. خلاصه این که مدیریت قرآن به جهت اتصال به علم مطلق الهی و عدم ابطال پذیری می تواند چالش ها و تنگناهای پیش روی مدیران و جامعه هزاره سوم را تبیین و مرتفع نماید.

واژه های کلیدی: مدیریت، نقش ها و وظایف مدیر

* دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

مقدمه

امروزه بیشتر صاحب نظران بر این باورند که هیچ امری در زندگی برای پیشبرد اهداف نمی‌تواند مهم‌تر و مؤثرتر از مدیریت و رهبری باشد. انسان پس از پیمودن مسیرهای پرفراز و نشیب به اصول و مبانی‌ای در مدیریت دست یافته که نتیجه آن، دگرگونی چهره جهان است. مدیریت در دنیای کنونی، به فنون و رموزی پیچیده و اصولی پویا مجهز شده است. البته تحلیل درباره مدیریت، بحثی جدید نیست؛ بلکه از دغدغه‌های کهن بشر است و به یک ملت اختصاص ندارد. متفکران در طول تاریخ، درباره مدیریت، بسیار سخن گفته و آثاری گران سنگ از خود به یادگار گذاشته‌اند. در دنیای اسلام، پس از رسول خدا (ص)، امام علی (ع) تصویری الهی از اداره کارآمد جامعه ارائه کرده است.

از مدیریت تعریف‌های متعددی ارائه شده، ولی فصل مشترک تعریف‌ها این است که «مدیریت، استفاده بهینه از منابع انسانی و غیر انسانی به منظور تحقق اهداف از پیش تعیین شده با توجه به قوانین حاکم است.»

استاد مطهری مدیریت را این‌گونه تعریف می‌کند:

«مدیریت انسان‌ها عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آن‌ها.»

قرآن کریم، کتابی است که از سوی خداوند متعال و خالق و پرورش دهنده تمام موجودات از جمله انسان، نازل شده و بیان‌کننده نیازهای زندگی بشری برای رشد و تعالی و تکامل است. آیات این سلسله هدایت، بر مدیر جامعه اسلامی، پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله، نازل گردیده که خود اقدام به تشکیل حکومت کرد و اداره آن را به مدت ده سال در دست داشت و در تمام آنات و لحظات و مشکلات، عنایات و راهنمایی‌های وحیانی راه‌گشای وی بود. دین مبین اسلام، کامل‌ترین ادیان و دربرگیرنده همه مسائل سیاسی اجتماعی بشر است. گوستاو لوبون محقق فرانسوی درباره دین اسلام و سفارش قرآن به مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمانان می‌نویسد: «قرآن، که کتاب آسمانی مسلمانان است، منحصر به تعالیم و دستورات مذهبی تنها نیست. بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است» (فصلنامه اندیشه بسیج، شماره ۷: ۳۷).

مدیریت قرآنی، مدیریت علمی است، یعنی مدیریت افاضل، مدیریت عالمانه، مقصود از مدیریت علمی اصطلاح رایجی نیست که در غرب بر مدیریت استشارگرانه اطلاق می‌شود.

مدیریت قرآنی، مدیریت متمرکز است، مقصود از «متمرکز» آن مدار بسته ای نیست که به نوعی از مدیریت‌هایی گفته شود که روح خودگردانی و مسئولیت‌پذیری را در افراد میرانده و از بین می‌برد. بلکه مقصود از متمرکز، وحدت مرجع تصمیم‌گیری، انسجام و هماهنگی بین نیروها و برقراری رابطه ارگانیک بین واحدها و بخش‌های تابعه در حوزه مدیریت است. مدیریت قرآنی، مدیریتی است مشاوره‌جویانه، در عین این که گفتیم مدیریت قرآنی و اسلامی، متمرکز است و بنابراین شورایی به معنی مصطلح نیست؛ اما مشاوره‌جویانه است. «مدیریت قرآنی، مدیریت باز و آزاد است، این خصیصه دیگر مدیریت قرآنی است، در این زمینه مرحوم دکتر بهشتی جمله زیبا و پربراری دارد، می‌فرماید: «بهترین مدیریت بر طبق معیارهای قرآنی و اسلامی، مدیریتی است که به عناصر و افراد امکان بدهد که خودشان را بر اساس معیارهای اسلامی اداره کنند، خودگردانی بر اساس معیارهای قرآن، این روح سیاست‌اداری در نظام اسلام است» (حیدری، فصلنامه مدیریت آموزشی: ۲۰ و ۲۱).

ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی، از بدیهیات بوده و هیچ نیازی به استدلال و برهان ندارد، زیرا زندگی اجتماعی هر چند در مجموعه‌ای بسیار اندک و کوچک، بدون داشتن مدیر و سازمان‌دهی خاص، سامان نیافته و به سرعت از هم پاشیده و متلاشی خواهد شد و اگر مدیری از سر ضرورت، از اجتماع فاصله می‌گرفت، نخست برای خود جانشینی تعیین می‌نمود تا در غیاب او، زندگی اجتماعی آن، دچار تزلزل و لغزش نشده و به راه خود ادامه دهد. در قرآن کریم در این زمینه نمونه‌هایی وجود دارد که به جانشینی هارون برای حضرت موسی (ع) اشاره می‌شود. هنگامی که حضرت موسی (ع) تصمیم گرفت به جانب کوه طور حرکت کند، نخست، برادرش هارون را به عنوان جانشین و مدیر اجتماع خویش، برگزید. خداوند متعال در قرآن کریم، سخن حضرت موسی (ع) را چنین نقل می‌فرماید:

«موسی به برادر خود هارون گفت: تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش» (اعراف، ۱۴۲).

آنچه به روشنی از این آیه شریفه استفاده می‌شود این که هرگز حتی برای یک لحظه نمی‌توان امت را بدون امام و مدیر، رها کرد.

مدیریت یکی از مشتقات واژه عربی دور است. دایره و اداره نیز هم خانواده این واژه عربی است. در فرهنگ زبان فارسی مدیریت به معنای مدیر بودن و مدیری است، (فرهنگ فارسی، معین، ج ۳: ۳۹۷۳).

البته در فرهنگ اصلاحات، برای مدیریت تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی، مدیریت را هنر دانسته و گفته اند: هنر مدیریت، هدایت، ایجاد هماهنگی و نظارت بر تعداد زیادی از افراد برای نیل به هدف و یا مقصودی معین است (فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، ۱۳۸۶: ۷۶۶).

برخی دیگر مدیریت را ترکیبی از دانش و هنر دانسته و نوشته اند: مدیریت، علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و مهارت‌های فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی است (مدیریت اسلامی، محمدحسن نبوی: ۳۲).

برخی آن را در حوزه روش و تکنیک اداره امور برده و مدیریت را کاربردهای تکنیک‌های مختلف برای اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آن‌ها را مدیران یا سرپرستان می نامند، دانسته اند (همان، ص ۶۱ به نقل از تئوری های مدیریت: ۴۳).

به هر حال، مدیریت، هنر، دانش، روش و ساز و کاری برای هدایت، هماهنگی، نظارت بر دیگران با بهره گیری از همه منابع و امکانات، در راستای رسیدن به مأموریت، رسالت و اهداف مطلوب سازمانی با حداکثر کارایی است. از آیات قرآنی به دست می آید که یکی از مسئولیت‌ها و وظایف پیامبران در جامعه بشری، مدیریت بر جامعه است. از این رو واژه امامت و ولایت در حوزه مسئولیت‌های پیامبران بارها به کار رفته است؛ چرا که پیشوایی و سرپرستی جامعه، همان مدیریت جامعه برای رسیدن به اهداف است. البته نقش پیامبران، نقشی بسیار فراتر از مدیریت جامعه است؛ لذا آنان نه تنها خود مدیریت جامعه را در ابعاد کلان به عهده می گیرند، بلکه در نصب و نظارت مدیریت‌های خود نیز مسئولیت دارند؛ زیرا از نظر آموزه‌های وحیانی مدیریت جامعه به ویژه جامعه دینی و اسلامی تنها از آن خداست و خداوند می تواند این مسئولیت را به هر کسی بخواهد واگذار کند. این گونه است که مدیریت را به پیامبران و مؤمنانی با ویژگی‌ها و شرایط خاص واگذار کرده است (مائده، آیات ۵۵ و ۵۶).

خداوند در آیاتی از قرآن سرپرستی و مدیریت پیامبران بر جامعه مدیریتی را تبیین کرده و واگذاری بخشی از مدیریت را به برخی از انسان‌ها مبتنی بر اصلاح امور و دوری از فساد دانسته است (اعراف، آیه ۱۴۲).

از این رو ولایت و مدیریت کافران را ناحق، باطل، جور و ظلم دانسته و آنان را شایسته این منصب ندانسته است.

در این بخش به تشریح بعضی از نکات مدیریتی که شامل نقش‌ها، وظایف و ویژگی‌های یک مدیر می‌باشد، پرداخته می‌شود که از ابتدای آیه ۸۳ مائده تا آخر سوره مائده و تمام سوره انعام و اعراف و تا آخر آیه ۴۰ سوره انفال می‌باشد.

نقش و وظایف مدیر از دیدگاه قرآن

شفاف سازی دستورات

«فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده، ۹۴)

«خداوند پس از بیان قسمتی از احکام شکار می‌فرماید: بعد از این، هر که از این مرزها تجاوز کند، او را عذابی دردناک است.»

قبل از ابلاغ دستورات، نمی‌توان کارکنان را مؤاخذه نمود، بلکه ابتدا باید به نحوی که همگان در جریان قرار گیرند، دستورات ابلاغ شود، سپس در صورت تعدی از آن مؤاخذه و تنبیه صورت گیرد (واحد اداری سازمان‌ها که وظیفه ابلاغ دستورات را بر عهده دارند، باید از شیوه‌هایی استفاده کنند که همه افراد سازمان در جریان آن دستورات قرار گیرند).

طبقه‌بندی اطلاعات

«قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ» (مائده، ۱۰۲)

(پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم درباره حج سخن می‌گفت) کسی پرسید: آیا حج همه ساله واجب است؟ پیامبر پاسخ نداد. او چند بار پرسید. رسول خدا فرمود: این همه اصرار برای چیست؟ اگر بگویم آری، کار شما سخت می‌شود. یکی از عوامل هلاکت امت‌های گذشته سؤال‌های نابجا و عمل نکردن به آن‌ها بود.

اطلاعات و دانش سازمانی باید رده‌بندی و طبقه‌بندی شود و مدیران نباید بعضی از اطلاعات و دانسته‌های خود را در اختیار عموم کارکنان بگذارند، که این امر ممکن است مشکلات و بحران‌هایی را برای سازمان ایجاد نماید.

سخن غیر مستقیم

«أَأْتَتْ قُلَّتْ لِّلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَّ إِلَهَيْنِ» (مائده، ۱۱۶)

«آیا تو مردم را گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر سوی خدای عالم اختیار کنید؟»
در امور فرهنگی باید گاهی به در بگوئیم، تا دیوار بشنود.

عدم انحراف

از آیاتی که می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى» (انعام، ۲۱)
«کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدای خود دروغ بست؟»
انحراف در مسائل فرهنگی مصداق بالاترین ظلم‌هاست.

شفاف سازی روش مدیریت

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ...» (انعام، ۵۰)
(ای پیامبر به مردم بگو) من ادعا نمی‌کنم که گنجینه‌های خداوند نزد من است و غیب می‌دانم و ادعا نمی‌کنم که من فرشته‌ام، بلکه من آنچه را که به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم.
اهداف و شیوه کار مدیر باید صریح و روشن بیان شود.
مدیران باید همچون دیگران در زندگی شخصی از امکانات عمومی استفاده کنند و استفاده از امکانات ویژه صحیح نمی‌باشد.

نظریه انگیزش و تکریم ارباب رجوع

انگیزش یعنی نیروهایی که موجب می‌شوند افراد به گونه ای خاص رفتار کنند (گریفین، ۱۹۹۶: ۴۷۴). در نظریه انگیزش اسلامی، می‌توان مجموعه وظایف مدیریت را مرتبط با انگیزش دانست. بر این اساس یک مدیریت جذاب، که وظایف گوناگون خود را با توجه به ابعاد انسانی زیردستان انجام می‌دهد، هر کاری که انجام دهد انگیزشی است (حیدری، مدیریت اسلامی: ۲۶۵). در مدیریت کیفیت جامع (TQM) یکی از مهم ترین اصول رضایت مشتری می‌باشد و وقتی میسر می‌شود که افراد مورد تکریم قرار گیرد.
«وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...» (انعام، ۵۴)
(خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید) «هر گاه مؤمنان نزد تو آمدند به ایشان سلام کن.»

مدیران باید با برخوردی محبت‌آمیز، به کارکنان و مراجعان شخصیت دهند تا موجب افزایش انگیزش سازمانی و تکریم ارباب رجوع گردد.

بیان راه نادرست

«وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ» (انعام، ۵۵)

«تا راه گنهکاران معین و آشکار شود.»

باید راه کج اندیشان را برای مردم تبیین نمود.

سرعت عمل

«وَ هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام، ۶۲)

«و خداوند سریع‌ترین حساب‌رسان است.»

سرعت حسابرسی در دستگاه‌های نظارتی و سرعت در رسیدگی به امور در دستگاه‌های اجرایی یک ارزش و ضرورت است.

موضع‌گیری صحیح

«هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام، ۷۶)

«گفت این است پروردگار من، پس چون آن ستاره غروب کرده نابود شد.»

در مواردی باید با مردم مماشات کرد و همراه شد تا زمینه پذیرش فراهم شود و سپس به طور قاطع اعلام موضع کرد.

علم و حکمت

«إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام، ۸۳)

«پروردگارت حکیم و داناست.»

علم و حکمت، دو شرط لازم برای تدبیر و مدیریت امور است. (با توجه به این که کلمه رب در لغت به معنای مربی آمده است.)

پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به دانش پژوهی و اندیشیدن و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آنان بیفزاید (حیدری، غلام حسین: ۴۸).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دانش، میراثی گرانبها و آداب، زیورهای همیشه تازه و اندیشه، آیینه‌ای شفاف است (نهج البلاغه: ۴۴۵). و در اهمیت فراگیری علم در خطبه ۱۰۵ چنین می‌فرماید: «پیش از آن که به خود مشغول گردید، از معدن علوم دانش استخراج کنید.»

شرایط نفوذ کلام

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» (انعام، ۹۰)

«امت را بگو که من از شما مزد رسالت نمی خواهم.»

یکی از شرایط نفوذ کلام آن است که از مردم انتظار مالی نداشته باشیم. (اگر کمک کردند «الحمدلله» و اگر نکردند «الله اکبر») اگر هدف، امرار معاش و اشتغال شد، فرد درآمد خود را با درآمد دیگران مقایسه می کند و گرفتار پشیمانی و نارضایتی و تغییر کار می شود.

پیروی راه حق

«فَبِهَدَاهُمْ أَقْتَدَهُ» (انعام، ۹۰)

«و نیز از راه آن ها پیروی نما.»

باید راه های حق طی شده اولیای خدا را پیروی کنیم و به اسم ابتکار، نوآوری، سنت های خوب دیگران را از بین نبریم.

برنامه ریزی و اجرا

برنامه ریزی عبارت است از طراحی عملیات برای تغییر یک شی یا موضوع بر مبنای الگوی پیش بینی شده (رضایان، ص ۱۷۹)

«فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام، ۹۶)

«خداوند، شکافنده سپیده دم است و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله شمارش ایام قرار داد. این است اندازه گیری و برنامه ریزی خداوندِ قدرتمند و دانا.»

برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل برنامه ها، نیاز به علم و قدرت دارد، علم برای تدوین برنامه و قدرت برای اجرای نیکوی آن.

خورشید و ماه وسیله نظم و حسابرسی و برنامه ریزی است.

برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل، نیاز به علم و قدرت دارد.

پایداری بر اهداف

«وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ...» (انعام، ۱۱۲)

«ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداخته اند، بلکه برای هر پیامبری دشمنانی از شیطان های انسانی و جتنی قرار دادیم.»

مدیران باید برای مخالفت‌ها آماده باشند و بدانند که در برابر هر تغییر و اصلاحی، مقاومت و مخالفت صورت می‌گیرد.

مدیران فاسد

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا...» (انعام، ۱۲۳)

«در هر دیاری بزرگانی از مجرمان به حيله و فسق و فساد می‌پردازند.»

مدیران و رهبران فاسد، ریشه فساد اجتماع هستند.

تزویر و دروغ، حربه‌های اصلی مدیران و رهبران فاسد است.

توانمندی در ماموریت و رسالت

«اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام، ۱۲۴)

برای سپردن مسئولیت فرهنگی، باید لیاقت و ظرفیت افراد مورد توجه قرار گیرد.

توانایی و قدرت جسمی از ملاک‌های مورد نظر رسول اکرم (ص) در انتخاب افراد بود؛ زیرا

قدرت و استطاعت، شرط لازم برای قیام به واجبات دینی و اکتساب ارزش‌های گران سنگ

اسلامی است (حیدری، مدیریت اسلامی، ص ۴۸)

عبرت از گذشتگان

«وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا...» (اعراف، ۴)

«چه بسیار آبادی‌هایی که اهل آن به خاطر فساد و کفر نابود شدند.»

در تصمیم‌گیری‌ها، باید سرگذشت کسانی که در شرایط مشابه تصمیم‌گیری کرده‌اند، مورد

توجه و عبرت قرار گیرد.

حضرت علی (ع) در خطبه ۸۳ نهج البلاغه فرمودند: «ای بندگان خدا کجا هستید آنان که

سالیان طولانی در نعمت‌های خدا عمر گذراندند؟ از آفات و بلاها دورشان داشتند، اما فراموش

کردند، زمان طولانی آن‌ها را مهلت دادند، نعمت‌های فراوان بخشیدند، از عذاب‌های دردناک

پرهیزشان دادند و وعده‌هایی بزرگ از بهشت جاویدان به آن‌ها دادند. (نهج البلاغه، ترجمه استاد

دشتی، ص ۹۹)

پاسخ‌گویی

«فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف، ۶)

«قطعاً مردم و پیامبران، از آنچه انجام داده‌اند، بازخواست خواهند شد.»

در سازمان، هم رهبران و مدیران باید نسبت به اقدامات و تصمیمات خود مسئولند، همچنین افراد عادی و کارکنان نیز باید نسبت به آنچه بر دوششان گذاشته شده، پاسخ‌گو باشند.

دوری از تکبر

«قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ...» (اعراف، ۱۳)

«خداوند به شیطان فرمود: بیرون رو، از چه روی تکبر ورزیدی؟!»

تکبر، چه برای افراد عادی و چه برای پست‌های مهم و مدیران ارشد، آفت و آسیب است و باعث خواری و شکست می‌شود.

مولای متقیان در نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ چنین می‌فرماید: شیطان بر آدم (ع) به جهت خلقت او از خاک فخر فروخت و با تکیه به اصل خود که از آتش است، دچار تعصب و غرور شد؛ سپس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سر سلسله متکبران است که اساس عصبیت را بنا نهاد. پس از آنچه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد، عبرت بگیرید؛ زیرا خداوند اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم را با تکبر از بین برد. تکبر و خودپرستی در دل مسلمان از آفت‌های شیطان، غرورها و کشش‌ها و وسوسه‌های اوست؛ پس تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید و خود پسندی را زیر پا بگذارید و شما همانند قابیل نباشید که بر برادرش تکبر کرد.

تمهید مقدمات

«فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ...» (اعراف، ۱۹)

«خداوند به آدم فرمود: تو و همسرت، هر چه خواستید در این باغ بخورید، ولی به آن درخت نزدیک نشوید.»

یکی از وظایف مدیر فراهم کردن شرایط مناسب برای امور و مهیا کردن فضای آرام برای پرسنل و زیردستانش و خانواده‌های آن‌ها می‌باشد و با بودن راه مجاز راه ممنوعه رفتن ظلم است.

مدیران و رهبران باید ابتدا امکانات را در اختیار کارکنان بگذارند و راه صحیح استفاده از آن را به ایشان بیاموزند، سپس انتظار کار صحیح و درست و بدون نقص داشته باشند.

کار واقعی و خیالی

«يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ» (اعراف، ۳۰)

که به راه راست هدایت یافته‌اند.

بسیاری از کارهای ما در دنیای خیال کار است و در واقع سرگرمی است.

ویژگی‌های خود

«وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف، ۶۸)

«قرآن از زبان پیامبر می‌فرماید: من برای شما خیرخواه و امین هستم.»

بیان ویژگی‌های مثبت خود، در موارد ضرورت و آنجا که برای دیگران سازنده باشد، مانعی ندارد.

طعم تبعید

«أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ» (اعراف، ۸۲)

«او را از شهر بیرون کنید.»

گاهی باید بار تبعید را هم چشید.

برای قوم لوط که یک جمعیت آلوده و گناهکار بودند، جای تعجب نبود که افراد پاک دامن را به جرم پاکی از خود برانند و نقاط قوت و افتخار چنین پاک دامنان در نظر آنها نقطه ضعف و عیب بود، هر چند که آن‌ها پیامبر خود را به ظاهر تبعید کرده بودند؛ اما فضای عذاب خداوندی را برای خود مهیا ساختند؛ بنابراین همیشه تبعید به ضرر افراد نمی‌انجامد (تفسیر نمونه، جلد ۶، ص ۲۴۵).

انتقاد شنوی

«قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ...» (اعراف، ۱۲۹)

قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی گفتند: هم پیش از آمدنت ما در سختی بودیم و هم اکنون که تو آمده‌ای. موسی خطاب به ایشان فرمود: امیدوارم خداوند دشمن شما را به زودی نابود کند.

مدیر باید به انتقادهای گوش فرا دهد و در پاسخ جواب‌هایی بدهد که کارکنان به اصلاح امور امیدوار شوند.

تأثیر محیط

«اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (اعراف، ۱۳۸)

«برای ما خدایی مثل خدایانی که این بت پرستان دارند، مقرر کن.»

محیط در فکر و فرهنگ انسان اثر می‌کند.

حضرت علی (ع) در نکوهش مردم بصره چنین می‌فرماید: خاک شهر شما بدبوترین خاک‌هاست، از همه جا به آب نزدیک تر، ... کسی که در شهر شما باشد، گرفتار گناه و آن که بیرون رود، در پناه عفو خداست. این سخن مولی اشاره به علم اکولوژی (Ecology) تأثیر عوامل زیست محیطی در افکار و اخلاق انسان است که عوامل جغرافیایی در مناطق گوناگون زمین اثرات متفاوتی در رفتار و افکار انسان‌ها دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳، ص ۳۷)

کادر سازی

خداوند مدیریت بر جهان را تا بدان پایه ارج می‌نهد که به مدیران مدبر سوگند یاد می‌کند: «پس سوگند به تدبیر کنندگان کارها» (نازعات، ۵) خداوند در این آیه به فرشتگان اداره کننده کارها سوگند یاد می‌کند، خداوند خود مدبر است. و در دعای جوشن کبیر بند ۲۵ آمده است «خدایا، از تو درخواست می‌کنم به نام تو، ای صورت آفرین! ای تقدیر کننده! ای تدبیر کننده! و...» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اولاً تدبیر یکی از خصوصیات احدیت است، ثانیاً آن قدر این امر مهم است که خداوند به تدبیر کنندگان سوگند یاد می‌کند. تدبیر در امر یعنی به عاقبت کار نگاه کردن. (حیدری، ص ۱۷)

«وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي...» (اعراف، ۱۴۲)

«موسی به برادرش هارون گفت: در غیاب من جانشین من در میان قوم باش.»

فردی به عنوان جانشین (معاون مدیر) باید در کنار مدیر اصلی و با تجربه، در فراز و نشیب‌ها باشد تا ضمن کسب تجربه، او را یاری دهد و در غیاب مدیر، سازمان بدون رهبر نماند.

یکی از وظایف اصلی مدیران کادر سازی است.

برنامه‌ریزی

«وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا...» (اعراف، ۱۴۵)

«در الواح تورات، به موسی در هر موردی پندی دادیم و به او گفتیم: آن‌ها را با قوت اجرا کن و به قوم خود فرمان ده که بهترین آن‌ها را انتخاب کنند و اجرا نمایند.»
در برنامه‌ریزی باید بهترین روش را انتخاب نمود و آن را با تمام توان انجام داد. گرچه در بعضی شرایط، مدیریت اقتضائی، مفهوم بهترین اقدام را تبیین می‌کند و نیز بکار بستن قانون و رهبری امت نیاز به قوت، اراده و جدیت دارد.
در میان چند راه و برنامه، باید بهترین روش را انتخاب و با بهترین توان انجام داد.

گزینش

گزینش مهم‌ترین رکن امور اداری هر سازمان است، چرا که با انتخاب فرد نالایق سازمان ممکن است متقبل هزینه‌های زیادی گردد. امیرمومنان علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید:

«در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن. رفتار کارگزاران را بررسی کن، از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن. (نهج البلاغه، ترجمه استاد دشتی، ص ۱۱۴)
«وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا...» (اعراف، ۱۵۵)

«حضرت موسی برای رفتن به میعادگاه خداوند، هفتاد نفر را انتخاب کرد.»
افرادی که به پست‌های حساس و اصلی منصوب می‌شوند، باید حتماً گزینش شوند تا صلاحیت‌های لازم را داشته باشند، هر کسی در هر سطحی نمی‌تواند در جایگاه تصمیم‌گیری قرار گیرد.

باور اهداف

«يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ...» (اعراف، ۱۵۸)

«خداوند در بیان صفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پیامبری که به خدا و گفتار او ایمان دارد. شخصی که مدیریت سازمان را برعهده دارد، باید از ماموریت سازمان و اهداف سازمانی اطلاع کافی داشته و به آن ایمان داشته باشد تا بتواند زیردستان را در این راه توجیه، یاری و هدایت کند.»

توزیع امکانات

«اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ...» (اعراف، ۱۶۰)

«خداوند به حضرت موسی فرمود: با عصایت به این سنگ بزن، پس از آن سنگ دوازده چشمه جوشید و هر قبیله از یکی از آن‌ها استفاده کرد.»

تقسیم و توزیع عادلانه امکانات و منابع، نقش مهمی در تسهیل امور دارد.

تبیین تهدیدها

«وَ اِثْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ...» (اعراف، ۱۷۵)

«ای پیامبر! داستان بلعم باعورا را بر مردم بخوان که از علم خود اندکی به او داده بودیم و قدرت اجابت دعا و برخی کرامات را داشت تا آن که شیطان او را در پی خویش کشید و از گمراهان شد.»

رهبران و مدیران، باید مواردی که ماموریت و اهداف سازمان را تهدید می‌کند و باعث شکست می‌شود، آن‌ها را به افراد تحت تکفل خود گوشزد کنند و با بیان سرگذشت فریب خوردگان، آنان را برای مقاومت در مسیر صحیح آماده سازند.

استفاده از قصه

«فَاقْصُصِ الْقَصَصَ...» (اعراف، ۱۷۶)

«آیات خدا را بعد از علم به آن تکذیب کردند.»

در کار فرهنگی باید از قصه و تاریخ استفاده کرد.

شایسته‌سالاری

«إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف، ۱۹۶)
 «پیامبر اکرم می‌فرماید: سرپرست من خدایی است که این کتاب آسمانی را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی و هدایت می‌کند.»
 رعایت اصل شایسته‌سالاری لازم است حتی در مورد زیردستان. (خداوند کسانی را که شایسته هستند، سرپرستی می‌کند.)

وظیفه‌گرایی

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ» (انفال، ۱۷)
 «و چون تو تیرافکندی، نه تو بلکه خدا افکند.»
 ما ضامن وظیفه هستیم، نه نتیجه.

حیات معنوی

این آیه اشاره به این دارد فردی که کار فرهنگی می‌کند، نباید صرفاً به آموزش علوم اکتفا کند، بلکه باید به تربیت و پرورش روح و روان انسان‌ها که از اهداف خلقت باری تعالی است، توجه کافی داشته باشد. به عبارتی آموزش و پرورش با هم معنا پیدا می‌کنند.
 «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلَّمُوا إِنْ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال، ۲۴)
 «شما را فرامی‌خواند تا زنده کند و بداند خدا در میان شخص و قلب او حایل است.»
 حقیقت کار فرهنگی ایجاد یک حیات معنوی در مخاطب است، نه انتقال علوم و اصطلاحات.

نتیجه‌گیری

داشتن هدف و برنامه، پاسخگویی، انتقاد پذیری، شایسته‌سالاری، توانمندی مدیران و ... از نکات مهم مدیریتی اشاره شده در این مقاله است که در علم مدیریت امروزی جزء اصول مهم مدیریتی به شمار می‌روند. بنابراین مدیریت انسان در راستای مدیریت نظام عالم است، اگر مدیریتی هماهنگ با مدیریت جهان هستی نباشد، رضای خدای متعال را همراه ندارد و در معرض سقوط و انحطاط قرار می‌گیرد. و خلاصه این که مدیریت قرآن به جهت اتصال به علم

مطلق الهی و عدم ابطال پذیری می تواند چالش ها و تنگناهای پیش روی مدیران و جامعه هزاره سوم را تبیین و مرتفع نماید.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی
- حیدری تفرشی، غلام حسین. (۱۳۸۶). مدیریت اسلامی، انتشارات نویسنده، چاپ اول
- حیدری تفرشی، غلام حسین. (۱۳۸۸). فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- رضایان، علی. (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم
- فصلنامه اندیشه بسیج (۱۳۸۱) شماره ۷، سطح ۲، ناشر: معاونت آموزش عقیدتی، سیاسی بسیج
- فروزنده دهکردی، لطف الله. (۱۳۸۶). مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران: دانشگاه پیام نور
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۵). ۳۰۰ نکته در مدیریت اسلامی، انتشارات مرکز درس هایی از قرآن، تهران
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). سخنی با متولیان مدیریت فرهنگی، انتشارات مرکز درس هایی از قرآن، تهران
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۱). تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب اسلامی، تهران، چاپ هفتم
- سایت خانه کارآفرینان ایران www.karafariny.com
- سایت www.maaref.ir